

## دهه‌های گمشده اقتصاد ما

دکتر فرخ قبادی

در اواخر سال ۱۹۹۱ و اوایل سال ۱۹۹۲ ژاپن دچار بحرانی شد که با ترکیدن حباب قیمت دارایی‌ها آغاز شد و بانک‌های این کشور را که طی سال‌های قبل از آن، بی‌محابا و به پشتوانه ارزش حسابی آن دارایی‌ها وام‌های کلان داده بودند، در معرض ورشکستگی قرار داد. دولت و بانک مرکزی ژاپن وارد ماجرا شدند و سرمایه‌های هنگفتی به بانک‌ها تزریق کردند تا از ورشکستگی آنها جلوگیری شود و سرنوشت محتوم آنها به تعویق افتد.

در حقیقت بانک‌ها به «بانک‌های زامبی» (مرده‌های متحرک) تبدیل شدند که فقط با کمک **بانک مرکزی** می‌توانستند به حیات خود ادامه دهند. در همان زمان «بلومبرگ» نوشت که یکی از دلایل تداوم رکود و کساد طولانی **اقتصاد** ژاپن همین بانک‌های زامبی بودند؛ از جمله به این دلیل که همچنان به شرکت‌های شدیداً بدهکار وام دادند و به نوبه خود «بنگاه‌های زامبی» را زنده نگه داشتند.

رکود و کساد بیش از ۱۰ سال ادامه یافت و عبارت «دهه گمشده» **ژاپن** از آن زمان بر سر زبان‌ها افتاد. در حقیقت ۱۲ سال طول کشید تا تولید ناخالص داخلی این کشور به سطح سال ۱۹۹۵ برسد. اما پایه‌های مستحکم **صنعت** ژاپن سرانجام اوضاع را کم و بیش به روال عادی بازگرداند، هرچند ترکش‌های آن بحران هنوز هم نظام مالی این کشور را آزار می‌دهد.

\*

شاید بی‌مناسبت نباشد که متولیان **اقتصاد کشور** ما نیز نگاهی به عملکرد اقتصاد کشورمان طی چند دهه گذشته بیفکنند، دست‌پخت خود را بررسی کنند و تدبیری بیندیشند تا «دهه‌های گمشده» ما همچنان افزایش نیابند؛ زیرا تداوم شرایط کنونی، چشم انداز روشنی را نوید نمی‌دهد.

آماري که اخيرا توسط يك منبع معتبر منتشر شده و تغييرات توليد ناخالص داخلي واقعي سرانه کشورها را (بر اساس قيمت‌های ثابت دلاری سال پایه) نشان می‌دهد، به راستی نگران‌کننده است. این آمارها بیش از چهار دهه را در بر می‌گیرد و نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی واقعي سرانه در کشور ما، از سال ۱۹۷۷ تا سال ۲۰۱۸ بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است. این در حالی است که در همین بازه زمانی ۴۱ ساله، میانگین تولید ناخالص داخلی واقعي سرانه، در کره جنوبی ۷۱۷/۱۶ درصد، در **مالزی** ۳۲۴ درصد، در **هندوستان** ۳۹۶/۶ درصد، در **چین** ۲،۶۶۹ درصد و در **ترکیه** ۱۷۷/۲ افزایش یافته است.

هیچ‌کس نمی‌تواند انکار کند که اقتصاد کشور ما در ۴۱ سال اخیر از «عوامل بیرونی» آسیب‌های فراوان دیده است. هشت سال **جنگ تحمیلی** که علاوه بر چند صد هزار شهید و معلول، ویرانی‌های گسترده بر جا گذاشت، تحریم‌هایی که از همان اوایل **پيروزی انقلاب اسلامی** اعمال شدند و به تدریج شدت گرفتند و از دهه ۹۰ به بعد باز هم شدیدتر شدند و اکنون به اوج خود رسیده‌اند، تنها بخشی از این عوامل بودند. بی‌تردید بخشی از عملکرد ضعیف اقتصاد کشور را می‌توان به این وقایع منتسب کرد که شکل جدید آن را در قالب تروریست اقتصادی علیه **ایران** در حال اعمال است.

اما انصافاً در کنار این عوامل تا چه میزان به «عوامل درونی» توجه کرده‌ایم، «عوامل درونی» از جمله سیاست‌گذاری‌های نسنجیده و خسارت‌بار توسط تصمیم‌سازان فاقد اهلیت حرفه‌ای، کارشناسان گوش به فرمان و مجریان ناکارآمدی که عمدتاً بر اساس روابط و خویشاوندی و دوستی بر مسند قدرت نشسته بودند، به **بازی** نگرستن خیل عظیمی از نیروهای متخصص و کاربلد که «خودمانی» تشخیص داده نشدند و کنار گذاشته شدند و بالاخره فساد گسترده و فراگیری که **معاون اول** رئیس‌جمهور آن را «سیستمیک» نامیده، سهم بزرگ‌تری در نابسامانی کنونی اقتصاد کشور داشته‌اند.

کارشناسان اقتصادی مستقل، از نحله‌های فکری مختلف، بارها جنبه‌هایی از نابسامانی‌های اقتصاد کشور را تشریح کرده و راهکارهایی هم ارائه داده‌اند، بی‌آنکه گوش شنوایی پیدا شود و انتقادات و توصیه‌هایشان در محافل تصمیم‌سازان به بحث جدی گذارده شود، چه رسد به اینکه به اصلاحات معناداری منجر شود.

تاوان خسارت‌های وارد شده به اقتصاد کشور، البته توسط بخش بزرگی از جامعه پرداخت می‌شود که دستشان به جایی بند نیست. البته این بخش بزرگ جامعه آثار و عواقب این نابسامانی‌ها را با کوچک شدن سفره‌هایشان لمس می‌کنند؛ اما سنگینی توانی که پرداخت شده و می‌شود بر اکثریت بزرگ **جامعه** پوشیده است. برای مثال اکثر مردم نمی‌دانند که ۴۱ سال قبل، تولید ناخالص داخلی واقعی سرانه در ایران نزدیک به ۳ برابر (دقیقاً ۲/۹ برابر) کره‌جنوبی بود و اکنون GDP واقعی سرانه ما یک چهارم (۲۵ درصد GDP واقعی سرانه کره‌جنوبی) است. چنان‌که دیدیم، عقب ماندن ما از کشورهای دیگر به کره‌جنوبی محدود نمی‌شود. در حقیقت کمتر اقتصادی را می‌توان یافت که به‌رغم موهبات کم نظیر خدادادی و موقعیت ویژه سوق‌الجیشی کشور ما، عملکردی چنین ناامیدکننده داشته باشد.

در این مختصر تشریح دلایل عملکرد ضعیف اقتصاد کشور ما البته میسر نیست. در این مورد به اندازه کافی مطلب نوشته و منتشر شده و علاقه‌مندان می‌توانند با رجوع به آنها هم دلایل این نابسامانی و هم برخی راهکارهای برون‌رفت از وضعیت فعلی را دریابند.

نکته‌ای که نیاز به تاکید دارد، ضرورت بازنگری حکمرانان اقتصادی کشور در عملکرد خود، کنار گذاردن منازعات پایان‌ناپذیر و خسارت‌بار میان گروه‌های حاکم، مبارزه قاطع و جدی با فساد که کمر اقتصاد را خم کرده است و اولویت دادن به منافع ملی به جای نفع شخصی یا گروهی است. مردم ایران، با درک شرایط کنونی و فشارهای خارجی، ناگزیر مصائب را تحمل می‌کنند و حتی در صورت جلب اعتماد از سوی سیاست‌گذاران در انجام اصلاحات همراهی خواهند کرد؛ اما اگر مسیر سیاست‌گذاری اصلاح نشود تاریخ در مورد سکاندارانی که دهه‌های گمشده اقتصاد ما را رقم زدند، قضاوت سختی خواهد داشت.

جدول ۱ - اطلاعات مربوط به تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی کشورهای منتخب  
براساس قیمت‌های دلاری ثابت (سال پایه = ۲۰۱۰)

تغییر در GDP سرانه	GDP سرانه	GDP سرانه	نام کشور
۱۹۷۷-۲۰۱۸	۲۰۱۸	۱۹۷۷	
درصد	قیمت‌های دلاری ثابت	قیمت‌های دلاری ثابت	↓
۷۱۷/۱۶	۲۶۷۶۲	۳۲۷۵	کره جنوبی
۱۷۷/۱۸	۱۵۰۲۶	۵۴۲۱	ترکیه
۳۲۴	۱۲۱۰۹	۲۸۵۶	مالزی
۲,۶۶۹	۷۷۵۴	۲۸۰	چین
-۳۰/۰۹	۶۶۷۴	۹۵۴۷	ایران
۱۶۵/۳۳	۵۵۱۰	۲۰۷۶	عراق
۳۹۶/۶۲	۲۱۰۴	۴۲۳	هندوستان

Source: Constant GDP per capita for (Name of the country) <https://fred.stlouisfed.org/series>